

اخلاق در نظام های اقتصادی سرمایه داری، سوسیالیستی و اسلام

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۶/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۸/۱۷

دکتر حسن خداوایی*

احمد عزتی شورگلی**

چکیده

با سرعت فعلی جهانی شدن، روابط اقتصادی میان کشورها توجه روزافزونی پیدا کرده است. ادامه این تحول بزرگ جهانی نیازمند یک فضای پرامن و آرامش است. برای این که یک کشور بتواند رفاه مردم را تأمین کند و همچنین سیستم اقتصادی یک کشور سالم کار کند، داشتن اخلاق اقتصادی یک شرط اساسی است. جامعه بشری معمولاً با افراط و تفریط دست به گریبان بوده است. پیش از آن که اقتصاد به صورت یک علم مدرن امروزی در آید، مسائل اقتصادی به عنوان شعبه ای از علم اخلاق تدریس می شد. اما پس از آن به تدریج از اخلاق فاصله گرفت به گونه ای که بسیاری از صاحب نظران کوشیدند بکلی اقتصاد را از اخلاق و دین جدا نمایند که این امر زیانهای زیادی برای جامعه انسانی در برداشت. بتدریج برخی اقتصاددانان مانند کینز، رابینسون، سرافا، میردال، شومپیتر و هابیک جدایی اقتصاد از اخلاق را مورد انتقاد قرار دادند.^۱ از همین روست که در دهه های اخیر گرایش تازه ای به اخلاق اقتصادی در اروپا و آمریکا ایجاد شده است و این را باید به فال نیک گرفت اما این خوف وجود دارد که گرایش جدید بیشتر به سمت و سوی اخلاق سودطلبی شکل بگیرد. علت این هم روشن است، نظام لیبرال سرمایه داری و کمونیستی نمی تواند تفسیر درستی از انسان و کمالات واقعی او داشته باشد. این در حالی است که اسلام از همان ابتدا آموزه های وسیع اقتصادی خود را با ارزش های اخلاقی آمیخته است. با توجه به این که، یکی از معضلات اساسی علم اقتصاد فعلی و رایج جهان، مشکلات اخلاقی موجود در درون این نظام های اقتصادی است و با توجه به این که پایه و اساس اقتصاد اسلامی بر اخلاق و احکام و قوانین دینی استوار است، بنابراین یک ضرورت اساسی است که مشکلات اخلاقی دو نظام مذکور را در درون نظام اقتصاد اسلامی به چالش کشید. لازم به ذکر است، که روش تحقیق به کار گرفته شده در این مقاله مبتنی بر روش توصیفی است.

واژگان کلیدی: اخلاق در اقتصاد، سرمایه داری، سوسیالیستی، اقتصاد اسلامی

طبقه بندی JEL: P10, B14, P41

* h.khodavaishi@urmia.ac.ir

ahmetezzati@gmail.com

* دانشیار اقتصاد، دانشگاه ارومیه

** کارشناس ارشد اقتصاد، دانشگاه ارومیه (نویسنده مسئول)

مقدمه

پیشرفت های اقتصادی از دو قرن پیش سرعت فزاینده ای به خود گرفته است. اما با توجه به این که در این رشد رو به فزاینده اقتصادی، اخلاق و جنبه های اخلاقی کنار گذاشته شده، بر زندگی اجتماعی انسان ها لطمه بزرگی وارد شده است. اما برای حل مسائل اخلاقی و اجتماعی در سال های اخیر، کشورهای پیشرفته صنعتی (اخلاق در کار و مسئولیت های اجتماعی) را به عنوان دو عامل مهم در توسعه اقتصادی مطرح کرده اند. در فعالیت های اقتصادی بایستی درستکار، معتمد و منصف بود. و در ارتباط با کشورهای دیگر، کمک به مردم کشورهای دیگر نوعی ایثار و انتقال یک طرفه به حساب می آید که قطعاً بر مناسبات اقتصادی بین کشورها هم تاثیرگذار است. در این مقاله، اساساً با بررسی ارتباط میان اخلاق و اقتصاد در نظام های اقتصادی، مشکلات اخلاقی را به عنوان یک انتقاد به نظام های اقتصادی در نظر گرفته و در این صورت به بررسی نظام های اقتصادی می پردازیم، سپس با توجه به ویژگی خاص اقتصاد اسلامی که از قرآن و سنت نشأت گرفته سعی بر رفع ایرادات اخلاقی موجود در دو نظام اقتصاد سوسیالیستی و سرمایه داری می پردازیم. این مقاله از پنج بخش تشکیل شده است. در ادامه و در بخش دوم اهمیت اخلاق در اقتصاد بررسی می شود و در بخش سوم انتقادات اخلاقی دو نظام اقتصادی مذکور مطرح می شود و در بخش چهارم چگونگی رفع این ایرادات و انتقادات در نظام اقتصاد اسلامی بحث می شود. و در بخش آخر با توجه به مباحث ارائه شده به نتیجه گیری کلی می رسیم.

۱. اهمیت اخلاق در اقتصاد

همراه با جهانی شدن و توسعه اقتصادی کشورها، اخلاق اقتصادی، اهمیت بی چون و چرائی به خود گرفته است. برای رسیدن به یک جامعه سالم و متعادل و همچنین برای رسیدن به یک توسعه پایدار ارزش های اخلاقی و اجتماعی شرط اساسی است که بایستی در جامعه حاکم باشد. اخلاق در عام، یک مجموعه از اصول، به منظور تشخیص یک چیز خوب و درست از یک چیز بد و اشتباه است. این تعریف مرسوم (عمومی) از لحاظ کاربردی بسیار ایستا است.^۱ فوگل و پاورز،^۲ یک تعریف کاربردی بسیار ساده و در عین حال بسیار پویا را ارائه داده اند. اخلاق عبارت

1. Don HELLRIGEL and John W. SLOCUM, Jr (1986)

2. Vogel and Powers

است از روندی که تشخیص می‌دهد چه چیزهایی رفاه انسان را تشکیل داده و برای تشویق آن-ها توضیح می‌دهد که چه رفتاری لازم است و چه تصمیمی بایستی گرفته شود.^۱

اخلاق در جوامع، در کنار کمک به تحقق عادت‌ها، به فعالیت‌های اقتصادی نظم می‌بخشد. اخلاق بایستی بر اقتصاد غالب باشد و همچنین بایستی اقتصاد نیز اخلاق را نامعتبر نداند و در حقیقت نمی‌توان هیچ یک را از دیگری جدا نگه داشت. افراد زیادی معتقد هستند که مشکلات اخلاقی موجود در جهان نشأت گرفته از مسائل اقتصادی است. مشکل اساسی بین اقتصاد و ارزش‌های اخلاقی بسیار پیچیده است. این مشکل صرفاً مشکل نظری نیست بلکه یک مشکل عملی نیز هست. اخلاق در کار نشان دهنده ارتباط تنگاتنگ و نزدیک بین اخلاق و اقتصاد است. در حقیقت اخلاق در کار یک سیستمی است که به بررسی درست بودن امکانات تولید شده در دنیای کسب و کار می‌پردازد. بنابراین با هدف رسیدن به اهداف اقتصادی، اخلاق به عنوان یک وسیله نامربوط مورد سوء استفاده قرار گرفته است. هر نظام اقتصادی که بخواهد در نبود قوانین حقوقی، اخلاقی و وجدان به فعالیتش ادامه دهد به طور یقین با تزلزل مواجه خواهد شد و در نهایت به فروپاشی آن نظام خواهد انجامید. چنانچه در روابط اقتصادی، قوانین اخلاقی مورد توجه قرار نگیرد در این صورت، در زندگی اجتماعی قوانین جنگل حاکم می‌شود. بایستی اقتصاد، برای رسیدن به اهداف اخلاقی، نقش بسزائی داشته باشد. ارزش‌های اخلاقی علاوه بر قوانین اقتصادی با سایر قوانین نیز در ارتباط است. چنانچه قوانین اخلاقی مرتبط با اقتصاد وجود نداشته باشد، ارزش‌های اقتصادی معنایی پیدا نخواهد کرد. هم ارزش‌های اخلاقی و هم ارزش‌های اقتصادی بر اساس نیازهای انسان با هم تطبیق می‌یابند و با هم همکاری می‌کنند و هر کدام برای دیگری پایه و مبنائی را تشکیل می‌دهد.^۲ رابطه‌ای که بین تئوری و کاربردش و همچنین علم و هنر وجود دارد چنین رابطه‌ای نیز ما بین اقتصاد و اخلاق وجود دارد. امروزه کشورهای صنعتی اهمیت بیش از اندازه‌ای برای رسیدن به برتری اقتصادی می‌دهند و همین علت باعث شده که ارزش‌های اخلاقی اهمیت خود را از دست داده‌اند.^۳ اما از طرفی حفظ تعادل در منافع گروه‌های مختلف در اقتصاد نقش اخلاق در اقتصاد را پررنگ کرده است.^۴ در اقتصاد، اخلاق بر اساس ارزش‌هایی هم چون آزادی شخصی، آزادی بازار و مسئولیت در برابر گروه‌های ذینفع بر پا شده است. در حقیقت اخلاق یک موضوع بر پایه اعتماد

1. Iwao TAKA (1997), pp 99-158

2. LU xiaoue (1998)

3. Thomas I. WHITE (1993)

4. Peter J. DEAN (1997)

5. ARTHUR A. Thompson, William E. fulmer and A.j. strickland (1992)

است و تمامی کشورها بایستی به همدیگر اعتماد داشته باشند و به منافع همدیگر احترام بگذارند.^۱

۲. ایرادات اخلاقی در نظام های اقتصادی

برای درک رابطه بین اخلاق و اقتصاد بایستی به تفکیک انواع نظام های اقتصادی پرداخت. برای این که با توجه به اصول اخلاقی، ایراداتی که به نظام های اقتصادی وارد خواهد شد، مستند و معتبر باشند، لازم است که ابتدا به بررسی نظام اقتصاد سرمایه داری و سوسیالیسم بپردازیم.

۲-۱. ایرادات اخلاقی نظام اقتصاد سرمایه داری

۲-۱-۱. کارکرد نظام اقتصاد سرمایه داری

اساسا در نظام اقتصاد سرمایه داری، عوامل اقتصادی تحت تملک این سیستم اقتصادی قرار می-گیرد، نتیجتا چگونگی و مقدار تولید توسط بازار تعیین می شود، و درآمد اقتصادی بین عوامل اقتصادی تقسیم می شود. شناخت ذات و اساس این سیستم کار آسانی نیست. این نظام اقتصادی چه در هنگام ظهور و تولدش و چه با توجه به عملکردش، بدون اهداف برنامه ریزی شده است.^۲ نظام اقتصاد سرمایه داری کلاسیک بر ۲ فرض استوار است: (۱) بشر به طور ذاتی این توانائی را دارد که بتواند نظم طبیعی جهان را درک کند. (۲) بایستی دخالت و نقش دولت در اقتصاد محدود باشد.

۲-۱-۱-۱. مالکیت خصوصی

در میان عناصر تشکیل دهنده نظام سرمایه داری هیچ کدام به اندازه مالکیت خصوصی اهمیت ندارد. مالکیت خصوصی به طور اغلب در عام به مالکیت زمین گفته می شود. اما مالکیت به معنای داشتن یک دارائی و حق استفاده از آن دارایی است و تا زمانی که دولت از مالکیت خصوصی حمایت می کند، حداکثر سود اقتصادی، تأمین کننده حداکثر رفاه اجتماعی است.^۳

1. GERALD.F.cavangh (1990)

2. Engine yildirim ve Mehmet duman (1998)

3. Mitsuhiro umezu (1996)

۳-۱-۲. مشوق های اقتصادی

در حقیقت وجود انگیزه سود اقتصادی موتور محرک نظام اقتصادی است. همانطور که مارکس لرنر^۱ بیان کرده است زمانی که هیچ مانعی در راه نباشد و فرد احساس کند با تلاش لازم به هدفش خواهد رسید، ذهن و انرژی انسان در این حالت به بهترین شکل عمل خواهد کرد. در یک نظام سرمایه داری، سرمایه دار به طور منطقی به دنبال کسب و کار می باشد و همچنین همیشه به دنبال جایگزین کردن روش های جدید برای بدست آوردن سود بیشتر است. و از طرفی نیز به دنبال بهره وری بیشتر هم است. به طوری که در یک نظام سرمایه داری، سرمایه دار هیچ وقت با هدف بهره وری به صورت غیر انتفاعی کار نمی کند.

۳-۲-۲. سیستم بازار آزاد

در حقیقت بازارهای آزاد، بازارهایی هستند که افراد بدون مقررات خارجی به مبادله و داد و ستد می پردازند. قیمت در این بازارها با توجه به عرضه و تقاضا مشخص می شود. هم خریداران، هم فروشندگان با مشاهده و درس گرفتن از اشتباهات، تجربه کسب می کنند. اگر برای یک کالای مشخص بیش از اندازه تقاضا وجود داشته باشد. در آن صورت قیمت آن کالا بیش از اندازه افزایش خواهد یافت. و بر عکس هر چه عرضه یک کالا بیشتر باشد قیمتش کاهش می یابد و در نتیجه سود کمتری نصیب فروشنده شده و رقابت بین فروشندگان افزایش می یابد. (در صورتی که این عدم تعادل توسط دولت و یا انحصار گر ایجاد نشود) روند طبیعی بازار فرصتی برای تولید کنندگان، برای رقابت با هم ایجاد می کند و در صورتی که به اندازه کافی تقاضا برای کالاها وجود داشته باشد انواع خدمات و کالاها برای خریداران عرضه می شود. تولیدکنندگان در نظام سرمایه داری، برای تولید، بایستی تصمیم بگیرند که چه چیزی را، چه گونه و در چه زمانی تولید کنند. مسیر انتخاب، تولید، توزیع و مبادله توسط مصرف کننده مشخص می شود. در این نظام با توجه به این که آزادی انتخاب وجود دارد مردم می توانند پولشان را در هر جهتی که بخواهند خرج کنند. در این صورت عرضه، تقاضای خود را بوجود آورده و تولید کنندگان می توانند شرکت های تولیدی خود را هدایت کنند. سیستم بازار آزاد به طور سریع خواسته های مردم را (تقاضاهایشان) را تأمین می کند. در این صورت منابع به سمت کالاهای سود آور سوق داده می شود. در این نظام همیشه سعی بر استفاده از تکنولوژی های جدید در تولیدات و ارائه

1. marx lerner

2. mchuch, Francis (1992)

خدمات است. رقابتی که در تأمین خواسته ها و تقاضای مصرف کنندگان وجود دارد باعث می شود که تولیدات و خدمات گوناگونی ارائه شود. این سیستم افرادی را که امکانات مالی و خدماتی در اختیار دارند را به استفاده از فرصت ها تشویق می کند.

۲-۱-۴. آزادی اقتصادی و سیاسی

یکی از عناصر اصلی و لازم برای شکل گرفتن بازار آزاد، نبود قوانین دولتی است. وظیفه دولت در این نظام حمایت کردن از آزادی های فردی است. طبق اصول سرمایه داری یکی از ارزش های مهم و اساسی، آزادی فردی است. مفهوم آزادی فردی این است که انسان بدون دخالت در حقوق دیگران می تواند تا هر حد و هر شکلی که می خواهد به حقوق خود برسد.^۱ در نظام سرمایه داری، آزادی فردی توسط سیستم بازار آزاد ایجاد و فراهم می شود سه دلیل اصلی وجود دارد که به سیستم بازار آزاد مشروعیت می بخشد که عبارتند از: (آزادی، اختیار در انتخاب، تمایل انسان ها به پیشرفت). به دلیل این که در بازار آزاد تمامی مبادلات، بر اساس آزادی در اختیار انجام می شود سیستم بازار آزاد، محیطی را برای ایجاد آزادی های فردی فراهم می کند.^۲

۲-۲-۱. معایب نظام سرمایه داری

معایب این نظام در زیر آمده است:^۳

۲-۲-۱-۱. انگیزه سود اقتصادی

به دلیل اهمیت بسیار زیاد سود اقتصادی برای تولیدکنندگان، صاحبان دارایی، سهام داران و مدیران، هزینه های اجتماعی (همانند الودگی هوا) نادیده گرفته می شود. مهم ترین ایراد نظام سرمایه داری این است که باعث نزدیک بینی می شود این بدان معناست که اساسا نظام سرمایه داری، دارای افق کوتاه مدت است و چنانچه سرمایه دار در افق بلندمدت کار کند سودی برایش نخواهد داشت. در این حالت بایستی برای منفعت مردم جامعه سرمایه گذاری کند در حقیقت در نظام سرمایه داری با در نظر گرفتن افق کوتاه مدت جنبه های اجتماعی انسانی نادیده گرفته می شود.^۴

12. Cengiz ceylan (1998)

13. Yildirim-duman (1997)

14. mchugh (1992)

15. Lester.c.thurow (1996)

۱-۲-۲. توزیع نابرابر در آمد

تمایل بسیار زیاد در افزایش قدرت و ثروت، باعث ایجاد اختلافها و تضادهای بزرگی در نظام سرمایه‌داری می‌شود. زمانی که آرزوها به واقعیات تبدیل نمی‌شود (کاهش دستمزدهای واقعی زمانی که مردم انتظار افزایش دستمزدها را دارند) و راه موفقیت شناخته شده نیست، انسان‌ها دچار ناامیدی می‌شوند. متأسفانه دنیای امروزی پر از خلأها و عدم قطعیت در رسیدن به موفقیت‌ها است.

۲-۲-۲. بیکاری و دستمزدهای پائین

حفظ و نگه‌داری یک کار آزاد در بازار، کاری بسیار سخت و دشوار است. زمانی که نیروی کار غیر ماهر فراوان و بیکاری هم زیاد باشد این وضعیت به نفع کار فرما است و در حالتی که نیروی کار ماهر کمیاب باشد تقاضا برای استخدام این نیروی کار، باعث افزایش دستمزدها می‌شود. زمانی که سرمایه از نیروی کار کمیاب باشد و به علت پایین آمدن دستمزدها، نیروی کار با کارفرما به توافق نرسد، در این صورت سرمایه‌گذاری از مسیرش منحرف می‌شود و به جهت‌های دیگر سوق پیدا می‌کند. به طور خلاصه معایب نظام سرمایه‌داری عبارتند از: نابرابری‌های اقتصادی و بی‌اعتمادی، ظهور انحصارگرها، اسراف، استثمار و بیگانه شدن انسان‌ها از همدیگر.

۱-۳-۲. ایرادات اخلاقی نظام اقتصاد سرمایه‌داری

تفکر اقتصادی غالب بر جهان، سرمایه‌داری است.^۱ آدام اسمیت^۲ (م ۱۷۹۰ - ۱۷۲۷) در اولین اثر خود به نام ثروت ملل به بررسی تفکر لیبرال و اصول اساسی و اصلی مدل کاپیتالیسم سیستم اقتصادی پرداخته است و در کتاب دوم خود به نام (تئوری احساسات اخلاقی) به بررسی اصول اساسی علم اخلاق پرداخته است. آدام اسمیت با این دو کتابش اخلاق و اقتصاد را با هم ترکیب کرده است^۳ و از لحاظ اخلاقی تنها توجیهی که می‌توان بر نظام اقتصاد سرمایه‌داری عنوان کرد، این است که با ذات منطقی انسان‌ها هماهنگ است که خود آدام اسمیت نیز در نوشته‌هایش به این مورد اشاره کرده است. آدام اسمیت معتقد است که موفق‌ترین سیستمی که مناسب ذات انسان است و می‌تواند خلاقیت انسان را آشکار سازد، سیستم بازار

1. lester c thrurow (1996)

2. adam smith

3. Aydin yalcin (1991)

است.^۱ به نظر آدام اسمیت، در نظام سرمایه داری، تبادل کالا و خدمات بر اساس رضایت طرفین انجام می پذیرد. تصمیم گیری و حق انتخاب آزادانه مشتری تنها معیار ارزش دهی به مبادله می باشد. در سیستم بازار آزاد استفاده از زور و حيله ممنوع می باشد. در این سیستم، میزان (سود و ضرر) انسان ها در جامعه، با میزان هوشیاری آن ها مشخص می شود. از این روی، سرمایه داری هم سیستم اخلاقی و هم سیستم عادلانه ای می باشد. از طرف دیگر به نظر تامسون^۲، در نظام سرمایه داری هم کسانی که سود می کنند و هم کسانی که ضرر می کنند وجود دارد. سود کنندگان؛ آدم های درست، فعال، متفکر، مسئولیت پذیر، منظم، عاقل و موثری هستند. اما ضرر کنندگان؛ آدم های بی حال، تنبل، کم عقل، بی فایده، بی خیال، نامناسب و ناموثری می باشند. نظام سرمایه داری، یک نظام اجتماعی است که فضایل را تشویق و نقائص و عادات بد را جریمه می کند.^۳

به نظر آدام اسمیت، تشویق در نظام سرمایه داری، بدلیل دریافت ارزش کلی محصول تولیدی، سبب فعالیت بیشتر تولید کننده می شود. یعنی، جوایز قابل مشارکت نمی باشد. نظام سرمایه داری، فعالیت بیشتر را تشویق و تنبلی را جریمه می کند. در نظام سرمایه داری رفاه دارای توان بالقوه پیشرفت می باشد. بر عکس سوسیالیسم، در نظام سرمایه داری، سود هر فرد سود همان شخص می باشد.^۴

نظام سرمایه داری، در تاریخ جامعه غرب، خمیر مایه سیستم اقتصادی، فرهنگ و باور دینی می باشد. ماکس وبر^۵ این واقعیت را این گونه بیان می نماید: "در نظام سرمایه داری، دموکراسی، علوم و حقوق محصول اخلاق پروتستان می باشد". در حقیقت نام اثر معروف او در سال ۱۹۱۹ "اخلاق پروتستان و روح سرمایه داری" می باشد. یعنی، ساختار معنوی سرمایه داری به اخلاق پروتستان تکیه دارد. زیرا اولین توسعه سرمایه داری و صنعتی شدن در انگلستان شروع شده و بعد به آلمان، هلند و بعدها به کشورهای کاتولیک توسعه یافته است.^۶ از دید وبر یکی از، مهم ترین دلایل بوجود آمدن سرمایه داری در اروپای غربی غنای باورهای پروتستان، ارزش هایی است که فعالیت و صرفه جویی را تشویق می کند.^۷ از لحاظ اخلاقی در نظام سرمایه داری موارد

1. Yildirim, duman (1997)

2. thomson

3. c. bradley, thompson (1993)

4. c. b , thompson (1993)

5. max weber

6. bryan s , turner (1991)

7. yildirim ,duman (1997)

قابل اعتراض عبارتند از، بی خیالی، که در اثر مالکیت شخصی به وجود آمده، و تنبلی و تمایل به لذت‌های جنسی که در اثر انباشت ثروت پدید آمده است. و مهم‌تر از همه فاصله گرفتن از مقدسات و دین است.^۱ امروزه جامعه غربی، از ایده‌های آدام اسمیت (۱۷۲۳-۱۷۹۰) و ماکس وبر (۱۸۶۴-۱۹۲۰) فاصله بسیار زیادی گرفته است. توسعه سریع تکنولوژی زیر ساخت سیستم سرمایه‌داری را تخریب کرده و در مقیاس بزرگ در ارزش‌های معنوی تخریب بوجود آورده است. تلاش برای بدست آوردن پول، حرص و طمع، علاقه به پولدار شدن، ساختار اجتماعی را از بین برده است. و در نتیجه باعث "تخریب اخلاقی" شده است. این وضعیت نتایج غم انگیزی برای جامعه غرب به بار آورده است.^۲ نظم موجود در آزادی رقابت سرمایه‌داری در اکثر مواقع با استثمار به پایان می‌رسد. مهم‌ترین موضوع برای سرمایه‌داری قبل از هر چیز افزایش سرمایه با سرعت زیاد می‌باشد. این کار سبب انباشت سرمایه می‌گردد. کوتاه سخن این که از قرن ۱۹ افزایش سرمایه راه را برای تباهی بشر باز نموده است. به عبارت دیگر، "سرمایه داری، با دور شدن از هویت ترتیب داده شده اخلاق پروتستانی به یک نگرش ماتریالیستی تغییر کرده است. تمام ارزش‌های معنوی و احساسات اخلاقی بلند مرتبه محو شده است. در نظام سرمایه‌داری، با در نظر گرفتن اینکه در این سیستم به طور وسیعی به منافع شخصی توجه می‌شود، نابرابری اجتماعی تشدید شده و حرکت رو به جلوی جامعه به دلیل از هم پاشیدن سرمایه اجتماعی با مشکل مواجه می‌شود.^۳ مهم‌تر از همه این که در سرمایه‌داری، تعیین ارزش‌های نهایی به افراد واگذار می‌شود. این وضع را برای مشکلات اجتماعی هموار می‌کند.^۴

سرمایه‌داری با انواع هنجارهای اجتماعی و رفتارهای اخلاقی قابلیت سازگاری دارد. در این جوامع، دولت در مقابل تمام سیستم‌های ارزشی باید بی‌طرف باشد. زیرا دخالت دولت در منازعات مربوط به مشکلات اخلاقی سبب افزایش فشار خواهد شد.^۵ برخلاف اروپا که نظام سرمایه‌داری نتایج مطلوبی به بار آورده است در خارج از اروپا گسترش سرمایه‌داری باعث بوجود آمدن مشکلات عدیده‌ای همانند به هم ریختگی وضع اجتماعی، طبیعت و مشکلات محیط زیست شده است. در کشورهای حاشیه اقیانوس آرام، کشورهای (تایوان، هونگ کنگ، سنگاپور، کره جنوبی) و ژاپن به همراه مدل لیبرال، باورهای بودایی و کنفوسیوسی و نظام‌های

۱. مارکس وبر ترجمه عبدالمعبود انصاری (۱۳۷۱)

2. mchugh (1992)

3. barray norman (1996)

4. barray norman (1997)

5. erdoğan, mustafa (1996)

ارزشی مختص خود را نیز به همراه دارند. با حرکت در داخل یک مدل اقتصاد سرمایه داری لیبرال ژاپن به همراه این مدل، ساختارهای معنوی و دینی خود را هم حفظ کرده است. حتی جان نایسبیت^۱ در اثر "مگاترندهز"^۲ ۲۰۰۰ خود در استراتژی های انقلابی کشورهای حاشیه اقیانوس آرام، باورهای نظیر بودا و کنفوسیوس را به عنوان عامل محرکی در جهت پیشرفت رو به جلو عنوان می کند.^۳ برخلاف تصور جان نایسبیت، امروزه هم اقتصاد ژاپن و هم اقتصاد سایر کشورهای خاور دور یک اخلاق "دئونولوژیک" (اخلاقی که قوانین سخت با نتایجی مستقل از افراد را به آنها تحمیل می کند) فوق العاده ای را از خود نشان نداده است. لذا در آن کشورها رسوایی های بسیاری شبیه به آنهایی که در وال استریت و بورس لندن بوجود آمده وجود داشته و امروزه هم دیده می شود.^۴

نتیجه این که، استفاده از فواید مورد انتظار از سرمایه داری، با وجود یک انقلاب اخلاقی ممکن می باشد. جهت مسدود کردن مسیر رو به استثمار بایستی یک نسل پرهیزکار پرورش بیابد. این هم با عدالت اجتماعی ممکن خواهد شد.

۲-۳. اخلاق و سیستم اقتصاد سوسیالیستی

۱-۳-۲. کارکرد یک سیستم اقتصاد سوسیالیستی

مدل کلاسیک سوسیالیسم، یک سیستم اقتصادی درستی نمی باشد. جدا نمودن سوسیالیسم به عنوان یک سیستم اقتصادی از یک سیستم سیاسی مشکل است. همانند تفکر سرمایه داری، سوسیالیسم هم باورهای خاص خود را دارا می باشد. اینها عبارتند از: ۱- خواستار استقلال، بدون نیاز به دیگران ۲- تفکر اجتماعی و ۳- ایده خدمت-رفاه^۵. سوسیالیسم با سه فاکتور تولید در مقیاس صنعتی، مالکیت همگانی ماشین آلات تولیدی و برنامه ریزی مرکزی شناسایی می شود.^۶ این فاکتورها مانند موارد زیر می باشند:

۱-۳-۲. تولید در مقیاس صنعتی: مهم ترین شکل تولید، تولید صنعتی می باشد. در مقیاس صنعتی فعالان بزرگ تولیدی از طریق قوانین سفت و سخت مرکزی هدایت می شوند.

1. john naisbitt
2. megatrends
3. cem kozlu (1995)
4. barray norman (1996)
5. üstünel, besim (1994)
6. degeorge, richard, t (1992)

۲-۳-۱-۲. مالکیت عمومی ماشین آلات تولیدی: یکی از پایه‌های اساسی تشکیل دهنده نظام سرمایه‌داری که مالکیت خصوصی و حق ارث است، با بی عدالتی‌های وسیع، که به استثمار منتهی می‌شود، از طرف سوسیالیسم رد شده و به جای آن اصل "مالکیت عمومی برای ماشین آلات تولیدی" مطرح می‌شود.

۲-۳-۱-۳. برنامه‌ریزی مرکزی: جایگاه نظام دولتی در سوسیالیسم خیلی مهم می‌باشد. زیرا در سوسیالیسم به جای مکانیزم بازار آزاد نظام سرمایه‌داری، قدرت مرکزی تصمیم‌گیری می‌نماید. در حالی که در نظام سرمایه‌داری برای به حداکثر رساندن سود، تصمیم‌گیری‌های مختلفی در سیستم قیمت‌گذاری صورت می‌گیرد تا انعکاسی در فعالیت‌های تولیدی و مصرفی داشته باشد، در نظام سوسیالیسم این موضوع به طور کلی و یا در مقیاس بزرگ از بین رفته و به جای آن با اتکا به نظام دولتی، مکانیزم‌های "برنامه‌ریزی مرکزی" جایگزین شده است. یعنی به ابعاد رقابتی بازار اجازه فعالیت داده نمی‌شود. به دلیل سیستم‌های کاری، برنامه‌ریزی مرکزی به مقدار زیادی اطلاعات نیاز دارد. این اطلاعات در تصمیم‌گیری‌های مربوط به تخصیص و تولید و توزیع کالاها به کار گرفته می‌شود.^۱ به عبارت دیگر، در سیستم سوسیالیسم (اقتصاد برنامه‌ریزی شده، اداره از مرکز، جمع‌آوری کننده اطلاعات) حکومت و یا بخش عمومی در مورد چه چیزی، چه کسی و تولید به کدام قیمت، تصمیم‌گیری می‌کند. مالکیت دولتی از طرف حکومت کنترل می‌شود.^۲

۲-۳-۲. مزایا و معایب سیستم اقتصاد سوسیالیستی

الف) مزایای سیستم اقتصاد سوسیالیستی به شرح ذیل هستند^۳:

- بکارگیری نیروهای انسانی: برنامه‌ریزی مرکزی، سبب افزایش استخدام و امنیت شغلی می‌شود.
- تولید در مقیاس وسیع: تولید زیاد در سایه اقتصاد وسیع بوجود می‌آید.
- خدمات عمومی (انرژی) و خدمات پایه‌ای (سلامتی) به طور موثری بکار گرفته می‌شود.

1. üstünel, besim (1994)
2. mchugh (1992)
3. mchugh (1992)

ب) معایب سیستم اقتصاد سوسیالیستی به شرح ذیل هستند^۱:

- بیکاری پنهان؛ بیکاری فراوان غالباً سبب استخدام زیادتر می گردد. از طرف دیگر در اقتصاد-های برنامه ریزی شده صنایع بزرگ سبب ایجاد موانعی در پیشرفت های تکنولوژیکی می شود.
 - امکان انتخاب وجود ندارد.
 - ناکافی بودن تشویق ها و انگیزه ها
 - کنترل مرکزی سبب کاهش بهره وری و بوروکراسی می شود.
- سوسیالیسم به عنوان راه حلی برای موضوعاتی نظیر نابرابری های روزافزون، افزایش بیکاری، بکار نگرفتن نیروی کار به وجود آمده است. به باور سوسیالیست ها برای غلبه بر این مشکلات سوسیالیسم می تواند یک انسان جدید بیافریند: سنگ بنای تولید و ثروت، یک "انسان سوسیالیست" می باشد. بدلیل اینکه سوسیالیسم نتوانست آن انسان مورد نظر را ایجاد نماید لذا ناموفق شد. تجربه نشان داد که عملاً برای ایجاد انگیزه برای کار کردن در یک مدت طولانی در بخش اعظمی از مردم جامعه برای رسیدن به اهداف اجتماعی، غیر ممکن است. نظام سوسیالیستی بسیار ضعیف عمل کرده، زیرا در جاهای اشتباه کارهای اشتباه انجام گرفته است.^۲

۴-۳-۲. ایرادات اخلاقی نظام اقتصادی سوسیالیستی

در زمینه های اقتصادی، سوسیالیسم نتوانسته آرزوی انسان ها را برای رسیدن به یک دنیای منظم به واقعیت تبدیل کند. با تکیه بر تعریف ارزش افزوده متفاوت از تعریف نظام سرمایه داری، نه تنها مشکلات نظام سرمایه داری را بر طرف نکرده بلکه مسائلی مانند عدم تامین نیاز-های اساسی هم چون غذا و مسکن را هم دامن زده است. در سوسیالیسم علی رغم مخالفت با "سود"، باز هم سودی که در سرمایه داری به جیب سرمایه دار می رود در نظام سوسیالیسم، منافع حاصل شده از تولید به شکل کاملاً قانونی در اختیار صاحبان قدرت و طبقات به وجود آمده جدید قرار می گیرد.^۳ اما بخش مهمی از ارزش افزوده، صرف مسابقات تسلیحاتی و تبلیغ رژیم در خارج از کشور شده است. از طرف دیگر با از بین رفتن حق مالکیت خصوصی و در اصل بدلیل از بین بردن استعدادها و شوق تولید علیرغم فعالیت های آموزشی بر پایه مدینه فاضله و

1.mchugh (1992)

2.mchugh (1992)

3.çağrıci, mustafa (1991)

تدابیر امنیتی، به دلیل ساختار خود اقتصاد، افت تولید را باعث شده و در نتیجه این وضع در غرق شدن سوسیالیسم نقش مهمی بازی کرده است.

عقلانیت در سیستم سوسیالیسم، صنفی متشکل از بروکرات‌ها و برنامه‌ریزان اجتماعی، در مورد خواسته‌های انسان و یا احتیاجات جامعه تصمیم‌گیری می‌نماید. دولت، برای نظم، ارزش-دهی و بقای زندگی کارگران از نیروی فشاری بر اساس توزیع رفاه جدید استفاده می‌کند. سوسیالیسم سیستمی است که رفاه را از تولید کننده گرفته و برای توزیع رفاه در بین قشر محروم با نیروی جبر و سازماندهی شده اقدام می‌نماید. این سیستم، اخلاق مبتنی بر قدرت را از درون خود می‌داند. باز هم، سوسیالیسم بر پایه فرار از مسئولیت در برابر تشویق‌ها پایه گذاری شده است. از آنجایی که جوایز تقسیم می‌شوند لذا دلیلی برای افزایش کار نسبت به دیگران وجود ندارد. در واقع، چیزی که تشویق می‌شود، کم کاری نسبت به دیگران می‌باشد. یعنی سوسیالیسم تنبلی را تشویق و پرکاری را جریمه می‌نماید. بر اساس تئورسین‌های سوسیالیست، مقدار محدودی از رفاه در بین تمام مردم و به مقدار مساوی باید تقسیم شود. در این سیستم سود یک فرد، ضرر فرد دیگر می‌باشد.^۱

سوسیالیسم نکات قوتی نیز می‌تواند داشته باشد. اما در مقابل برخی مشکلات اخلاقی، کور، کر و ساکت می‌ماند. یک ویژگی جنجال‌برانگیز در سوسیالیسم، بطور بارزی، عدم جوابگویی بر ایرادات اخلاقی است. اخلاق صرفاً نمی‌تواند وابسته به شرایط مادی متغیر و در ارتباط به آن باقی بماند. اخلاق، یا به تحکم و یا به منافع طبقه مدیریتی مشروعیت بخشیده و یا بعد از رسیدن طبقه پایین دست به قدرت، عصبانیت این طبقه در مقابل تحکم طبقه مدیریتی و منافع آینده مظلومان را در آینده نشان می‌دهد.^۲ مهم‌تر از همه این که در حالت کلی، سوسیالیسم اخلاق را به عنوان یک نوع ایدئولوژی می‌بیند که منعکس کننده درآمد طبقات است. به نظر سوسیالیسم اصول اخلاقی، مشمولیت جهانی ندارند. اخلاق را مناسب ماتریالیسم تاریخی دانسته و بر اساس موارد مادی و اقتصادی استوار می‌باشد. در چالش‌های ماکس و هوادارانش از سرمایه‌داری مفاهیم اخلاقی نظیر استثمار و بیگانه‌پروری از جایگاه مهمی برخوردار است.^۳

1. c. b , thompson (1993)

2. lukes, steven (1998)

3. yildirim ,duman (1998)

سوسیالیسم نمی تواند خودش را از تاریخ، منطق، تئوری و واقعیت و اخلاق دور نگه دارد. لنین^۱، در کنگره کمسومول در سال ۱۹۲۰ به این موارد اشاره می کند^۲: "ما، بطور عام اخلاق خومان را تابع منافع طبقه پرولتاریا می دانیم. اخلاق، در حقیقت خدمتی است برای نابود کردن استثمار تا این که تمام کارگران، در یک جامعه جدید، در یک جامعه کمونیست دور هم جمع شوند تا پرولتاریا را شکل دهند. در نظر یک کمونیست، ریشه هر نوع اخلاق، نظمی در جهت مخالفت با استثمار است. ما به یک اخلاق اذلی و ابدی اعتقاد نداشته و ساختگی بودن تمام افسانه های مربوط به آن را در معرض دید می گذاریم".

اما به نظر تروتسکی^۳، "اخلاق تابعی است از یک مجادله طبقاتی و در عین حال اخلاق محصولی از توسعه جامعه است، و هم چنین استدلال می کند که این وضعیت به هیچ عنوانی تغییر نخواهد کرد، و اخلاق در خدمت منافع اجتماعی است، و موضوع مورد بحث تناقض منافع جامعه با یکدیگر است، همچنین اخلاق از اشکال دیگر ایدئولوژی دارای شخصیت منظم مندتری است^۴. از طرف دیگر سوسیالیسم در درون اصالت خود هم به صورت اخلاقی و هم ضد اخلاقی مانده است. بخصوص ماکس و انگلس^۵ مشکلات کلی در رابطه با تئوری های اخلاقی را شناسایی کرده اند، اما در نهایت بعداً متوجه مشکلات عدیده اخلاقی شده اند. اجرای برنامه ها با استفاده از زور را مناسب اخلاق دانسته و استدلال می کند که این هم زمانی امکان پذیر است که قوانین را با سرعت اجرا کرد. ولی با دقت در، "واقعیت های بیرونی، برابری، آزادی بیان و روابط بین مقررات می توان فهمید که بدلیل عدم برقراری تعادل بین قوانین با اخلاق به اهداف خود نرسیده اند"^۶.

از همان ابتدا سوسیالیسم در مقابله با مشکلات اخلاقی با پیش گیری های مختص خودش در عمل دارای یک رویکرد غیر ممکن بود. به طور خاص هم، با وجود نگرش های پر محتوا در موضوع آزادی و علیرغم نگرش زورمدارانه در رابطه با رهایی انسان، با بی توجهی به حقوق افراد و استفاده از ابزارهای نادرست حرف های زیادی برای گفتن ندارد^۷. در اصل علت سقوط سوسیالیسم حل نکردن تضادهای درونی بود. برابری به عنوان ایدئولوژی ریشه ای سوسیالیسم و

1. viladimir lenin

2. lukes, steven (1998)

3. leon trotsky

4. lukes, steven (1998)

5. max and engels

6. edel, abraham, flowers, elizabeth, o, connor, finbarr w. (1998)

7. lukes, steven (1998)

عدم اعتقاد به باورهای خاص، در دوران صنعتی با واقعیات انسان‌ها ناسازگار بود.^۱ سوسیالیسم بر پایه زور و بی‌اعتمادی، آزادی و حقوق طبیعی انسان را به هیچ گرفته و مانع رشد فردی شده بود. و مهم‌تر این که در سیستم سوسیالیستی به نگرش‌های فردی اعتماد نشده بود. به این دلیل، این بی‌اعتمادی سبب فلاکت اصلی و بعدها سرچشمه مشکلات شده بود. رفته رفته دوره گوش دادن به الهام‌های عواطف معنوی در گذشته مانده بود و این خود باعث بیگانه شدن همگان شده بود، هم چنین قبولاندن همه مردم به مشارکت کردن موجب فریب شده بود. به این ترتیب، این سیستم ساختار معنوی جامعه را مد نظر قرار نداده بود. در نتیجه مارکس و طرفداران معتقد به ایدئولوژی یک جامعه بدون طبقات بدلیل عدم توجه به ساختار معنوی جامعه و با گسترش عدم روابط فردی زوال سوسیالیسم را آماده کرده بودند^۲.

۳. رفع ایرادات اخلاقی دو نظام اقتصادی سرمایه داری و سوسیالیستی در نظام اقتصاد اسلامی

لازم است که قبل از بررسی چگونگی رفع ایرادات اخلاقی دو نظام اقتصادی سرمایه داری و سوسیالیستی در نظام اقتصاد اسلامی، به ویژگی‌ها و عناصر تشکیل دهنده نظام اقتصاد اسلامی به طور خلاصه اشاره می‌شود.

۳-۱. ویژگی‌ها و عناصر تشکیل دهنده نظام اقتصاد اسلامی

۳-۱-۱. ویژگی‌های نظام اقتصاد اسلامی^۳:

۱. به منظور اجرای کامل یک نظام اقتصادی در جامعه، بایستی تمامی اصول و قوانین مربوط به آن نظام نیز در آن جامعه پیاده و اجرا شود تا نتایج پیاده سازی یک نظام اقتصادی در جامعه، مطلوب باشد. به طوری که به منظور اجرای نظام اقتصادی اسلام، بایستی قوانین و مقررات اسلامی در آن جامعه حاکم باشد. برای مثال اسلام خواهان تحریم ربا است. ربا باید از طریق دستورات شرعی و قانونی حرام اعلام شود. همچنین اسلام خواهان جمع زکات و توزیع آن به وسیله دولت است، و دولت برای این کار باید مقررات ویژه‌ای را وضع کند؛ به همین دلیل،

1. lester c thrurrow (1996)

2. beneton, philippe (1998)

۳. منذر قحف (۱۳۸۴)

اجرای نظام اقتصادی اسلام مستلزم وجود هماهنگی بین روند کارکرد همه اجزای داخل در بنیان اجتماعی و سیاسی برای تحقق اهداف نظام است

۲. نظام اقتصادی اسلام سرشار از ارزش ها است و این ارزش ها نشأت گرفته از قوانین و مقررات اسلامی است زیرا مبنا و اساس نظام اقتصاد اسلامی، قوانین اسلامی است و از آن جا که این قوانین و مقررات از قرآن و سنت نشأت گرفته است و قرآن و سنت نیز سرشار از ارزش های اخلاقی هم چون صداقت، برادری، درستکاری، عدالت، احسان و هزارها ارزش های اخلاقی دیگر است و در نتیجه نظام اقتصاد اسلامی نیز سرشار از ارزش های اخلاقی منتج از منابع اسلامی است.

۳. این که نظام اقتصادی اسلام، تحت تأثیر میزان عمل مردم به اخلاق و تعصب دینی آنان است، در عملکرد خود، بر افعال اختیاری تکیه نمی کند؛ برای نمونه، با وجود این حقیقت که نظام اقتصادی اسلام، گاه سطح بالایی از انفاقات اختیاری، یعنی صدقه را دارد چیزی که به صورت پرداخت های انتقالی اختیاری شناخته می شود؛ ولی ساختار و عملکرد آن بر صدقات متوقف نیست؛ بلکه بر اصول اساسی و قواعدی مبتنی است که در تنظیم فعالیت های اقتصادی به روشنی پدیدار می شود؛ به همین دلیل، رفتاری که نظام اقتصادی اسلام به آن دعوت می کند، رفتار دینی محض نیست؛ بلکه رفتاری دنیایی و مادی است که نهادهای قانونی و اجتماعی آن را سامان می دهند و قواعد و روش نظام، به آن رفتار منتهی می شوند.

۴. نظام اقتصادی اسلام، نظامی پویا است؛ زیرا اسلام دارای قوانین ثابت و متغیر است، به نحوی که قوانین ثابت قبلاً توسط شارع وضع شده است اما وضع قوانین متغیر به عالمان دینی واگذار شده است تا براساس شرایط حاکم بر جامعه این قوانین را وضع نمایند و از آن جا که نظام اقتصاد اسلامی از قوانین اسلامی اخذ شده است، بنابراین نظام اقتصاد اسلامی نیز این پویایی و انعطاف پذیری را دارد.

۲-۱-۳. عناصر اصلی تشکیل دهنده نظام اقتصاد اسلامی^۱

۱. این جهان ملک خداوند متعالی است: و خداوند مالک همه چیز در هستی است. بنابراین هر مالکیتی به نحوی در سایه مالکیت خداوند است در نتیجه، مالکیت انسان ها به امانت از خداوند است و انسان ها با مالکیتی که دارند در برابر خداوند مسئول و پاسخگو هستند و چنین نگرشی

۱. منذر قحف (۱۳۸۴)

تفاوت زیادی با نگرش مالکیت در نظام سرمایه داری و سوسیالیستی دارد زیرا در سرمایه داری، مالکان حقیقی افراد و در سوسیالیستی، طبقه کارگر و در اقتصاد اسلامی، خداوند است.

۲. همه چیز در جهان، مخلوق خداوند یکتاست. بر این اساس، بین انسان‌ها هیچ تفاوتی وجود ندارد. و خداوند هیچ طبقه ای از انسان‌ها را بالاتر از سایر انسان‌ها نیافریده است، چنان‌چه پیامبر فرمودند همه انسان‌ها با هم برابرند و تنها نشانه برتری، تقواست.

۳. عنصر سوم تشکیل دهنده نظام اقتصاد اسلامی، ایمان به روز حساب است. ایمان به روز حساب، تأثیر مهم و مستقیمی بر رفتار اقتصادی دارد؛ زیرا در این صورت فرد صرفاً به منافع دنیوی فعالیت‌های اقتصادی توجه ندارد و با در نظر گرفتن منافع اخروی، ارزش‌های اخلاقی هم چون عدالت، انصاف، باحق رفتار کردن را معیار کارهای خود قرار می‌دهد تا علاوه بر ارزش فعلی به نتایج بهتری در آینده برسد.

ابتداء، قسمتی از تعالیم اخلاقی اسلام مطرح می‌شود که به طور مستقیم به عملکرد کارگزاران در بخشهای گوناگون اقتصاد مربوط می‌شود. این آموزه‌ها زیادند و بررسی تمامی آنها در یک مقاله میسر نیست. برخی از موارد مهمتر ذکر می‌شود. این آموزه‌ها را می‌توان به دو قسمت کلی تقسیم نمود^۱:

۲-۳. تعالیم اخلاقی اسلام

۱-۲-۳. تعالیم عام

الف) عدل و انصاف: عدالت از آموزه‌های بسیار فراگیر اسلام است. به فرموده شهید مطهری: «در قرآن از توحید گرفته تا معاد، و از نبوت گرفته تا امامت و زعامت، و از آرمان‌های فردی گرفته تا هدف‌های اجتماعی، همه بر محور عدل استوار شده است. قرآن کریم اقامه عدل را از مهم‌ترین اهداف بعثت انبیا شمرده است.

ب) ایثار و احسان: احسان و نیکوکاری از اموری است که در حوزه عمل اجتماعی و هنجارهای پسندیده قرار می‌گیرد و یکی از فضیلت‌های اخلاقی نیز به شمار می‌رود و در آموزه‌های قرآنی برای احسان معانی سه گانه ای بیان شده است که یکی از معانی آن ارتباط تنگاتنگی با مساله ایمان و ارتباط انسان با خدا دارد و در حقیقت در حوزه‌های شناختی و بینشی و نگرشی معنا و مفهوم می‌یابد. ایثار به معنای «برگزیدن، دیگران را بر خویش مقدم

۱. معصومی نیا، غلامعلی (۱۳۹۰)

داشتن و مانند آن است. و در اصطلاح عبارت است از «بخشش به کسی در مورد چیزی که خود فرد به آن نیاز دارد.» ایثار شامل گذشتن از جان، مال، مقام، شخصیت و مانند آن، در راه خدا می باشد. اگرچه بیشتر در مقدم داشتن دیگران در امور مالی یا مقدم داشتن خواسته دیگران به کار برده می شود.

۲-۳. تعالیم اختصاصی بخشهای مختلف

الف) کار: اسلام کار و فعالیت اقتصادی را دارای ارزش و عبادت دانسته (وسائل الشیعه، ج ۱۷ ص ۶۷) و بیکاری را به شدت نکوهش کرده است. هنگامی که حضرت رسول (ص) به کسی علاقمند می شد می پرسید آیا شغلی دارد؟ اگر می گفتند نه، می فرمود: از چشمم افتاد (مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۱۱). تنبلی در کار، به شدت در اسلام مذمت شده است. کار علاوه بر کسب درآمد سبب عزت (وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳)، رشد عقلانی و سلامت جسمی و نشاط روحی می شود (بحار الانوار، ج ۳، ص ۸۷) انسان بایستی کاری را که عهده دار آن می شود، در آن تخصص لازم را داشته و کارش را به بهترین نحو انجام دهد.

ب) تولید: قرآن کریم آباد کردن زمین را مأموریت انسان ها می داند (هود، ۶۱). نمونه بارز نیز حضرت علی (ع) بود، به نحوی که خود حضرت به انواع فعالیت های تولیدی به خصوص در زمینه کشاورزی می پرداخت و با حفر چاه ها در اطراف مدینه به آباد کردن زمین ها اقدام می نمود.

ج) توزیع: یکی از مهمترین توصیه ها سفارش به مواسات است. مواسات یعنی این که انسان دیگران را در امکانات خود شریک سازد. جامعه ایده آل مورد نظر اسلام جامعه ای است که همه افراد به این مرحله رسیده باشند که به کمک سایر افراد جامعه در حد توان، بشتابند.

د) تجارت: لازم است فروشندگان به سود کم قانع باشند و برای کسب سود از هر راه اقدام نمایند. در این راستا باید از این گونه امور پرهیز نمایند: تبانی برای ایجاد انحصار فروش، تبلیغات کاذب، کم فروشی، دروغ، ربا و پوشاندن عیب کالا. خریداران نیز باید از ایجاد انحصار خرید، مداخله در معاملات دیگران و اینگونه امور پرهیز نمایند. حضرت رسول (ص) فرمودند: هر کس به خرید و فروش می پردازد باید پنج خصلت را رعایت کند و در غیر این صورت نه بخرد و نه بفروشد: ۱- ربا ۲- سوگند ۳- پوشاندن عیب (کالا) ۴- ستودن کالا هنگام فروش ۵- مذمت کالا هنگام خرید (علامه حلی، تذکره الفقهاء ج ۱۵۱۶).

ه) مصرف: در مورد مصرف می توان چهار سطح را در نظر گرفت:

۱. رفع نیازهای ضروری: مصرف در این حد لازم است.
 ۲. حد کفاف: انسان تا سطحی که نیازهای ضرورتش رفع شود، مصرف می‌نماید. این حد مصرف، مطلوب اسلام است. به کسانی که نمی‌توانند نیازهای ضروری زندگی خود را تامین نمایند می‌توان از زکات و خمس برای مصارف ضروری و حد کفاف کمک نمود.
 ۳. مصرف بالاتر از کفاف تا وقتی به اسراف نرسیده نامطلوب است. در مورد این سطح از مصرف توصیه‌های اکیدی به قناعت بعمل آمده است.
 ۴. اسراف و تبذیر و اتلاف: این سطح تحریم گردیده است.
- با توجه تعالیم اخلاقی گسترده اسلام در زمینه‌های مختلف اقتصادی، چگونگی پاسخ اقتصاد اسلامی به ایرادات اخلاقی دو نظام اقتصادی مذکور را بررسی می‌کنیم.

۳-۳. چگونگی پاسخ اقتصاد اسلامی به ایرادات اخلاقی دو نظام اقتصادی سرمایه

داری و سوسیالیستی

قرآن و سنت، سه ویژگی اساسی را برای اقتصاد اسلامی فراهم می‌آورد: نخستین مورد این است که پایه نظام اقتصاد اسلامی از قرآن و سنت و فقه و دیگر علوم اسلامی که بر پایه قرآن و سنت استوارند، استخراج می‌شود. دومین مورد آن است که این دو، تنها منبع معتبر برای ارزش‌های مورد نیاز در تحلیل اقتصادی هستند. سومین مورد آن است که در قرآن و سنت، نوع دیگری از اطلاعات وجود دارد که در تحلیل‌های اقتصادی می‌توانند پر کاربرد باشند؛ برای نمونه: "و اگر خدا روزی بندگان را وسعت دهد، مسلماً در زمین سر به عصیان برمی‌دارند؛ اما آنچه را بخواهد به اندازه‌ای [که مصلحت است] فرو می‌فرستد. به راستی که او به [حال] بندگان آگاه‌بینا است."

و یا نمونه‌ای دیگر "حقاً که انسان سرکشی می‌کند، همین‌که خود را بی‌نیاز پندارد." این دو آیه، یک اثر از افزایش اساسی در ثروت و درآمد را بر رفتار انسانی نشان می‌دهد. این در حالی است که در دو نظام اقتصادی مذکور به این اثر توجه نشده است. در این آیه‌ها، بشر را موجودی که دارنده تمایل قوی و اشباع‌ناپذیر به ثروت است، توصیف می‌کند. پیامبر همین اندیشه را در بسیاری از احادیث معتبر و معروف تأکید کرد که اگر انسانی دو وادی پر از طلا داشته باشد، هنوز وادی سوم را می‌جوید؛ بنابراین، ثروت‌طلبی انسان می‌تواند نامحدود باشد، مگر عاملی دیگری، مانع این تمایل نامحدود انسان شود. در این زمینه، قرآن به این رابطه نامرئی، اما مشخص اشاره می‌کند که اعتقاد به پاداش‌های آخرت، گرایش طغیان‌گرانه به تمایل

بیش تر ثروت را تعدیل می کند؛ بنابراین، در این سوره ها دو رابطه مطرح هستند: تمایل نامحدود انسان به ثروت، و امکان تعدیل این تمایل وقتی که انسان به سرای آخرت ایمان داشته و منافع اخروی خود را بر منافع دنیوی ترجیح دهد.^۱

از سویی کلمه عدالت و مرادف های آن از حیث تکرار در قرآن کریم سومین کلمه است، به نحوی که نخستین کلمه اسم «الله» و دومین کلمه «المعرفه و العلم» و سومین کلمه «العداله و مرادف های آن» است. این کلمه بیش از صد بار تکرار شده است. اصل عدالت در همه مراحل فعالیت های اقتصادی برحسب آنچه نیاز نظام اسلامی است، وارد می شود. عدالت در تولید، قیمت گذاری متناسب برای عوامل تولید و تعیین متناسب درآمدی که به هر یک از آن ها می رسد را اقتضا می کند. گاهی عدالت اقتضا دارد که اقدام های معینی در جهت توزیع مجدد درآمد انجام شود تا به کسانی که قادر نیستند از طریق عملیات بازار به درآمد دست یابند، سهم عادلانه ای داده شود. این امر از طریق پرداخت های اجتماعی اجباری، مانند زکات و واجبات مالی مربوط به ثروتمندان، و نیز به وسیله پرداخت های اختیاری، مانند هبه و وقف و سایر اعمال خیر و احسان، انجام می شود.^۲

در قرآن و نهج البلاغه، آیات و احادیث وجود دارند که به موضوعات متعددی پرداخته اند و هر یک می تواند بیانگر توصیه های اخلاقی، شیوه ها و روش های زندگی اقتصادی فرد باشد. پرداخت صدقات، اهتمام به امر دارایی، میانه روی در مال، حد تلاش انسان، آفات دارایی، عدالت اقتصادی، قناعت، ویژگی های ثروت، طمع، بخل، دانستن احکام معامله، تعدادی از این مواردند. آنچه در تمامی یا اغلب این توصیه ها وجود دارد توجه به فرد در حیات اقتصادی است، یعنی اصلاح جامعه از طریق اصلاح فرد میسر است و با اصلاح فرد، جامعه نیز اصلاح شده و زندگی مادی و حیات اقتصادی نیز به سامان خواهد رسید و این در حالی است که اقتصادهای رایج در جهان، نفع شخصی را هدف خود قرار داده اند و برای رسیدن به این هدف، متوسل به هر ابزاری می شوند. اخلاق در نظام اقتصاد اسلامی هیچگاه اسیر آن پوزیتیویسم مبتذلی که اقتصاد جدید را فرا گرفته نیست. به گفته آمارتیا سن جدایی اقتصاد از اخلاق باعث تضعیف اقتصاد رفاه شده است اقتصاد نباید صرفاً معطوف به نفع شخصی باشد این نوع اقتصاد ناکارآمدی خود را نشان داده است و به نظر آمارتیا سن باید بصیرتی عمیق تر نسبت به رابطه میان نفع شخص و رفتار به

۱. انس رزقا (۱۳۸۵)

۲. منذر قحف (۱۳۸۴)

دست آورد. آنچه که توفیق حیات را بدنبال دارد نمی‌تواند صرفاً توسط نیل به نفع شخصی و بدون توجه به دیگران محقق شود. اینجا پا در عرصه اخلاق نهاده می‌شود و آدمی خود را در اجتماعی می‌بیند که باید حتماً سایرین را هم ملاحظه کند به عبارت دیگر، در زمینه فعالیت‌های اقتصادی، بایستی با دیگران در ارتباط بود به نحوی که در این ارتباط متقابل هیچ یک از طرفین متضرر نشود و نسبت به همدیگر اعتماد کامل داشته باشند. این رویکردی است که در اقتصاد اسلامی به آن می‌رسیم. زیرا احکام و قوانین اسلامی، مسلمانان را به انجام اموری هم چون؛ اعتدال، نفی زیاده خواهی، توجه به دیگران، حقوق مردم را پرداختن و نظایر این‌ها ملزم می‌کند. و این باعث می‌شود که افراد با هم همکاری و مشارکت بیشتری داشته و همدیگر را در اموال شریک بدانند.^۱

اسلام جامعه را بر اساس روحیه تعاون و همکاری پایه گذاری کرده است هر عضوی از جامعه با دیگری در ارتباط است و در جامعه ای که زندگی می‌کند به سایرین کمک و یاری می‌کند و همگی با یکدیگر برادرند وقتی چنین نگرشی نسبت به سایر افراد جامعه حاکم باشد جامعه در جهت پیشرفت حرکت می‌کند زیرا همه افراد جامعه مکمل یکدیگرند و افراد به دنبال نفع شخصی و انباشت سرمایه به همان شکلی که در اقتصاد رایج است، نمی‌روند. اسلام بسیاری از احکام اقتصادی خود را بر اساس ارزش‌هایی مبتنی بر همکاری بر پا کرده که اگر آن ارزشها نبود قوانین اقتصادی در اجرا و عمل با مشکل روبرو می‌شد از جمله آنها می‌توان به مسابقات، مزارعه، مضاربه و شرکت اشاره کرد که مبتنی بر همکاری و مشارکت دو جانبه است مشارکت سرمایه و کار و سود و زیان حاصل از آن نیز متوجه هر دو طرف خواهد بود.^۲

مردم در فعالیت‌های اقتصادی‌شان آزادند به سمت انواع فعالیت‌های اقتصادی بروند، و خودشان مسئول نتایج تصمیم‌ها و انتخاب‌های اقتصادی‌شان هستند. عوامل تولیدی را که مالکند یا کالاهایی را که می‌خواهند مبادله کنند، در بازار، خرید و فروش می‌کنند. کسی که فقط مالک عمل خود است، برای فروش خدمات خود به بازار می‌رود و با آنچه به‌دست می‌آورد، کالاها و خدماتی را که نیاز دارد، می‌خرد و کسی که دارایی‌ها و کالاهای تولیدی یا مصرفی یا ابزار تولید را مالک است، وارد بازار می‌شود و هیچ صاحب حقی از حق خود محروم نمی‌شود و واجب نیست ثروتمند با فقیر در مال برابر باشند. در عین حال، به ثروتمند اجازه داده نمی‌شود حتی از طریق ضوابط معلوم، قدرت انحصاری اعمال کند. «نباید حاضر به غایب چیزی

۱. وصالی، سعید (۱۳۸۵)

۲. حائری، سید محسن (۱۳۷۸)

بفروشد»، «به استقبال کاروان های تجاری نروید»، «قوی نزد شما، پیش من ضعیف است تا وقتی که حق را از او بگیرم» این ها جز سفارش های مربوط به فعالیت های اقتصادی در اسلام است. این آزادی در تولید، توسعه و خیر و احسان است؛ ولی در ائتلاف یا سوء استفاده از نیروی مادی و سیاسی برای ایجاد منافع از حقوق دیگران آزادی نیست. لازم به ذکر است که نظام اسلامی، تعریف «ائتلاف و سوء استفاده از قدرت در جهت مصالح فردی» را به افراد وانگذاشته؛ بلکه خود شریعت آن را تعریف کرده است، حرام ها و حلال ها را بیان کرده و قواعد حفاظت و حمایت از آزادی ها و امتیازات مردم را نه تنها در برابر دیگران و بین خود مردم (برخی در برابر برخی دیگر) بلکه در برابر حکومت و قدرت سیاسی نیز تعیین کرده است. پیامبر اکرم (ع) فرمود: آگاه باشید که خون ها و اموال شما مانند این روز (روز عرفه) در زمینی که حریم خداوند است، بر شما حرام است.^۱

و در آخر می توان به نوع رفتار اخلاقی امیرالمومنین (ع) در زمینه فعالیت های اقتصادی پرداخت به نحوی که خود حضرت بیشترین مذمت را از دنیا به عمل آورده است اما خود بیشترین فعالیت اقتصادی را انجام دادند به گونه ای که درآمد حاصل از تولیدات ایشان بسیار فراتر از نیاز شخصی و خانوادگی حضرت بود. آثار اوقاف حضرت هنوز در اطراف مدینه باقی است. حضرت می فرماید: حقیقت زهد در دو جمله از قرآن است، برآنچه از دست شما رفته غمگین مباشید و به آنچه به شما داده دل داده نشوید. بنابراین زاهد کسی است که دلدادگی به دنیا نداشته باشد. این صفت نفسانی درست نقطه مقابل فرهنگ سود پرستی است که لیبرالیسم اقتصادی مروج آن است.^۲

جمع بندی و نتیجه گیری

هم سیستم اقتصاد سرمایه داری و هم سیستم اقتصاد سوسیالیسم ارزش های معین خود را ترجیح داده و هر دو سیستم هم با یک سری مشکلات اخلاقی مقایسه شده اند. در نتیجه سیستم های اقتصادی نیاستی ارزش های اخلاقی را نادیده بگیرند. همچنین، فلسفه "قویترین باید زندگی کند" شاید در گذشته توانسته باشد بکار بیاید. ولی، سیستم اقتصادی هر چه که باشد، نباید به هیچ کسی ضرر رسانده، و حق ندارند که رفاه معنوی و مادی را از دستشان

۱. منذر قحف (۱۳۸۴)

۲. معصومی نیا، غلامعلی (۱۳۹۰)

بگیرند. باز هم، هیچ کس نمی‌تواند با این نگرش که دیگران در رنج و عذاب باشند و فقط خودش در خوشبختی و رفاه باشد زندگی کند. به این موضوع در طول زمان در جامعه ای که فرد زندگی می‌کند رضایت نشان داده نخواهد شد. اخلاق، هر اندازه که برای زندگی با آرامش فرد اهمیت دارد، به همان اندازه نیز برای امنیت و صداقت در روابط اقتصادی و اجتماعی اهمیت دارد. مهم‌تر از همه این که، اگر خواستار پیشرفت اقتصادی و رسیدن به یک جامعه متعادل هستیم، بایستی تمایل افراد را برای رسیدن به منافع شخصی در جامعه کاهش داد. فلسفه "رفاه برای همه" باید در روابط اقتصادی اولین پایه باشد.

علم اقتصاد سنتی شامل تعداد بسیاری از قضایای اثباتی است. با وجود آن که نقش ارزش‌ها، جزئی از این پارادایم هستند، تبیین ساده و روشنی از آن نشده است. از سوی دیگر، قرآن و سنت نه فقط به ما نظام اقتصادی ارائه می‌دهند، بلکه به ما ارزش‌هایی را معرفی می‌کنند که ما حتماً در تحلیل خود به آن نیاز داریم. بنابراین، اقتصاد اسلامی این گونه از اقتصاد متعارف متمایز می‌شود که این علم نه تنها مشاهده، آزمون و تجربه را به صورت منبع شناخت می‌پذیرد، بلکه منبع اضافی دیگری از شناخت (وحی) نیز دارد. وحی شناختی است که از قرآن و سنت به دست می‌آید. این شناخت از دو نوع تشکیل شده است: یک نوع درباره ارزش‌ها است، و نوع دیگر قضایای اثباتی را به ما ارائه می‌کند که برای درک ما از روابط اقتصادی مهم هستند. افزون بر این، به منظور تنظیم دقیق ارتباط‌های بین اقتصاد اسلامی و قرآن و سنت، نه تنها به شناخت قرآن و سنت نیاز داریم، بلکه به شناخت علوم اسلامی دیگر از قبیل تفسیر، فقه، اصول فقه، و غیره نیز احتیاج داریم. این علوم ما را در درک قرآن و سنت یاری می‌دهد.

اساس نظام سرمایه داری بی‌توجهی به گروه بزرگی از جامعه است. در نظام سرمایه‌داری، افرادی به صورت انفجاری پولدار می‌شوند و در مقابل طبقه‌ای هم محروم می‌شود. در حالی که اسلام حد وسطی بین نظام سوسیالیستی و نظام سرمایه‌داری است. اسلام در نظام اقتصادی بر این عقیده است که هر کس مالک کار خود است. قرآن می‌فرماید: لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى. آنچه که انسان سعی و کوشش کند، مربوط به خودش است نه اینکه انسان کوشش کند و دیگری بهره‌بردار، مثل نظام برده‌داری. اساس نظام اسلام در پرتو عدالت اجتماعی و اخلاق است.

اگر کسی زحمت کشیده و اختراعاتی کرده با کسی که درس نخوانده نباید مثل نظام سوسیالیستی برابر باشد، نظام اقتصادی سوسیالیستی ارزش‌های ذاتی را نمی‌بیند و فقط به نیازها می‌پردازد. در مقابل نظام سرمایه‌داری نیز بر اساس بی‌عدالتی و بی‌اخلاقی است.

بخشهایی از توصیه های اخلاقی اسلام در حوزه های مختلف اقتصادی را دیدیم. رعایت ارزشهای اخلاقی اسلام در حوزه اقتصاد باعث رفع ایرادات اساسی اخلاقی در دو نظام سرمایه داری و سوسیالیستی می شود. اخلاقیات اقتصادی مجموعه ای از ضوابط و معیارهاست که کارگزاران اقتصادی با رعایت آن ضمن کسب منفعت شخصی به منافع جامعه آسیب نمی-رسانند. نتیجه این خواهد بود که منافع اجتماعی حداکثر خواهد شد. اگر توصیه های اخلاقی اسلام در زمینه اقتصاد رعایت شود شکوفائی و رشد مطلوب اقتصادی همراه با شکوفائی ارزش-های انسانی ارمغان آن خواهد بود.

منابع

۱. قران کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. جیمز آلوی (۱۳۸۴) تاریخچه ای از علم اقتصاد در جایگاه علمی اخلاقی ، ترجمه علی نعمتی، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۹، پائیز ۱۳۸۴.
۴. زیوداری ، مهدی (۱۳۸۶) ، «تقابل اخلاق ایمانی و اخلاق سرمایه داری و شکل گیری نظام های اقتصادی»، مجموعه مقالات کنفرانس بین المللی تأمین مالی اسلامی ، مرکز مطالعات تکنولوژی دانشگاه صنعتی شریف ، ۱۳۸۶ ، ص ۱۳۹.
۵. سن ، آمارتیا (۱۳۷۷)، اخلاق و اقتصاد ، ترجمه حسن فشارکی ، تهران ، نشر شیرازه ، چاپ اول ، ۱۳۷۷.
۶. ماکس وبر (۱۳۷۱)، اخلاق پروتستان و روح سرمایه داری ، ترجمه عبدالمعبود انصاری، تهران ، انتشارات سمت ، چاپ اول، ۱۳۷۱.
۷. معصومی نیا ، غلامعلی (۱۳۹۰)، اخلاق اقتصادی (معیشت)، پژوهش نامه اخلاق، سال چهارم ، شماره ۱۲، ۱۳۸۵، صص ۶۱-۳۳.
۸. منذر قحف (۱۳۸۴)، دین و اقتصاد: نظام اقتصادی اسلام و علم تحلیل اقتصاد اسلامی ، ترجمه سید حسین میر معزی ، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی ، سال پنجم ، شماره ۱۸، تابستان ۱۳۸۴.
۹. منذر کھف (۱۳۸۴)، علم اقتصاد اسلامی تعریف و روش ، ترجمه سید حسین میر معزی ، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی ، سال ششم ، شماره ۲۳، پاییز ۱۳۸۵.

۱۰. نوربخش، یونس (۱۳۸۶)، تحلیل جامعه شناختی از رابطه دین، فرهنگ با اقتصاد با تاکید بر اسلام، فصلنامه علمی پژوهشی اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۸، زمستان ۸۶.
۱۱. وصالی، سعید (۱۳۸۵)، اخلاق و اقتصاد، فصلنامه النهج، شماره ۱۷ و ۱۸، زمستان ۸۵.
۱۲. انس رزقا (۱۳۸۵)، روش شناسی اقتصاد اسلامی، ترجمه ناصر جهانپیان و علی اصغر هادوی نیا، مجله اقتصاد اسلامی شماره ۱۰، تابستان ۱۳۸۲، صص ۱۱۳-۱۲۴.
۱۳. حائری، سید محسن (۱۳۷۸)، اندیشه‌های اقتصادی در نهج‌البلاغه، ترجمه عبدالعلی آل‌بویه لنگرودی، تهران، انتشارات بنیاد نهج‌البلاغه، ۱۳۷۸.
14. baray, norman(1997), komünizm sonrası dönemde klasik liberalizm, çev: mustafa erdoğan, 1 baski, ankara: ltd yayinlari, ekim 1997.
15. barray, norman(1996) piyasa ahlak , din ve devlet , liberel düşünce dergisi , sayı 84, güz 1996.
16. beneton, philippe(1998), toplumsal siniflar, çev: hüsün dilli, istanbul: iletişim yayinlari, 1995.
17. çağrıci, mustafa(1991), islam ahlaki, 2 baski, istanbul, temel kültür dizisi no:6, ensar neşryat, 1991.
18. cavanagh,gerald.f(1996), american business value, third edithion, new jersey, pratice halle inc, englewood cliffs, 1996.
19. ceylan, cengiz (1998), iktisadi liberalizmde ahlaki, siyasette ve yönetimde etik sempozyunu,(24-26 aralık 1997), sakarya üniversitesi, iktisadi ve idari bilimler fakültesi, adapazari, 1998.
20. dean, peter j(1997), examining the proffission and the practice of business ethics, jornal of business ethics, 16, 1997 .
21. degeorge, richard t(1992), business ethics, 3edition, new york,:macmillan publishing, 1992.
22. edel, abraham, flowers, elizabeth, o' connor, finbarr w. (1998), morality, philosophy and practice historical and contemporary reading and studies, new york, random house, 1998.
23. erdoğan, mustafa(1996), islam ve liberalizm, liberal düşünce dergisi, sayı 4, 1996.
24. hellrigel, don and john, slocum, jr(1986), management, fourth edition, reading massachusetts: addison-wesley publishing company.

25. hoffman, w, michel and jeniffer mills moore(1990), business ethics: reading and cases in corporate morality, second edition, new york, mcgraw-hill publication co, 1990.
26. kozlu, cem (1995), türkiye mucizesi için vizyon arayışları ve asya modelleri, 3 baskı, ankara: türkiye iş bankası kültür yayını, no 3035, 1995
27. lukes, steven,(1998), marksizm ve ahlak(çeviren: osman akinhay), birinci baskı, istanbul, ayrinti yayınlar, 1998.
28. macnamava, carter(1998), complete guide to ethics management: an ethics toolkit of managers ot <http://www.mapnp.org/library/ethics/ethxgde.htm>.
29. mchugh, francis p(1992), iş ahlaki(çeviren: tüsiad), istanbul: tüsiad yayınları no, tusiad- t/92 , 8-54, detay basım ltd, 1992.
30. milton-smith, john(1997), business ethics in australia and new zealand, jurnal of business ethics, 16, 1997.
31. serter, nur(1997), dinde siyasal islam tekeli, istanbul:samal yayinevi, haziran 1997.
32. taka, iwao(1997), business ethics in japan, jurnal of business ethics, 16, 1997
33. thopson, arthur a , william, e, fulmer and a.j strickland(1992), strategic management, fourth edition, boston: irwin homewood, 1992.
34. thurrow, lester c(1996), kapitalizmin geleceği, 1 baskı, çevirenler: serpil demirtaş ve nebil ilseven, istanbul: çağdaş bakışlar dizisi: 14, sabah yayınları, eylül, 1996.
35. tierney, elizabeth p (1997), iş ahlaki, 1 basım, istanbul, rota yayınları, temmuz 1997.
36. turner, bryan s (1991), oryantalizm, kapitalizm islam, (çeviren:ahmet demirhan), istanbul, insan yayınları, 1991.
37. umezu, mitsuhir(1996), ethics and the japanes miracle: characteristics and ethics japanes business practice international society of business, economics and ethics, tokyo 1996, <http://www.nd.edu/~isbce/p-umezu.htm>.
38. üstünel, besim(1994), ekonominin temelleri: 6 baskı, ankara, ofset yayıncılık, 1994.
39. white, thomas i. (1993), business ethics, new york: macmillan publication, maxwell macmill, 1993.
40. xiaoue, lu(1998), on economic and ethical value, shanghai academy of social sciencies, <http://www.depaul.edu/ethics/evaluate.html>.

-
41. yalçın, aydin(1991), iktisadi doktrinler ve sistemler tarihi, ankara: aydoğdu ofset, 1991.
 42. yildirim, engin, duman, mehmet (1998), kapitalizm piyasa ve ahlaki, siyasette ve yönetimde etil sempozyunu(24-66 aralık 1997), sakarya ünv, ikt. ve idari. bil. fakültesi, adapazari. 1998.
 43. zubitski, y, d, mtroploski, v. kerov, vd(1995), kapitalist toplum, sekizinci baski (çeviren: sevim belli), ankara: sol yayinlari, 1995 .

